

کارنیک

درس هفتم

املا و واژه‌آموزی

۱ اول یک بار متن درس را برای خودت بخوان، بعد کتاب را ببند و کلمه‌هایی را که به یاد می‌آوری، در زیر بنویس.

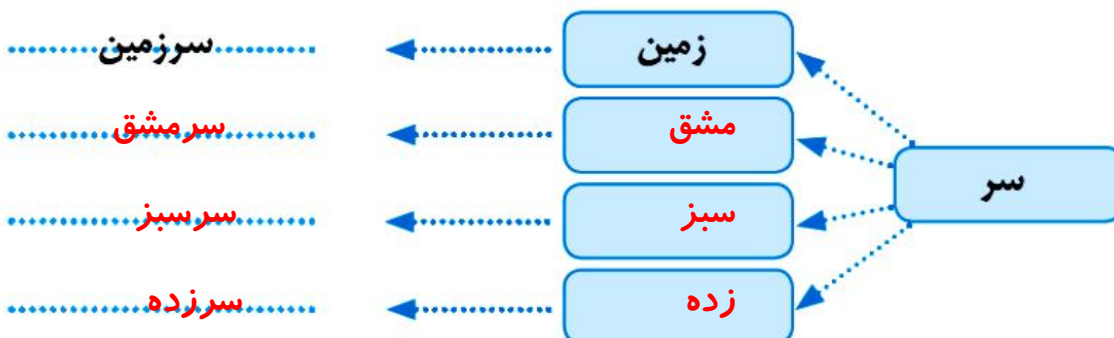
فرمانروا - تصمیم - معمولی - پیرمرد - روستا - می‌کند - گذشته - گردو
جوز - گودال - جوانان و

۲ متن درس را بخوان، همه‌ی جمله‌هایی را که فرمانروا به پیرمرد گفت، جدا کن و بنویس.

«از این همه کار خسته نمی‌شوی؟ این کارها، کار جوانان است. تازه، چند سال طول می‌کشد تا درخت گردو بزرگ شود و میوه بدهد و آن وقت هم که معلوم نیست، تو زنده باشی!»

«آیا تو از این موضوع، ناراحت نیستی؟»

۳ مانند نمونه، به این قسمت از کلمه، یک جزء دیگر اضافه کن، تا کلمه‌ی معنی‌داری ساخته شود.





۱ با توجه به متن، جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب، کامل کن.

در زمان‌های دور **فرمانروایی** زندگی می‌کرد که خیلی دوست داشت از **حال** همه‌ی مردم باخبر باشد. برای همین **تصمیم** گرفت به شهرهای **مختلف** برود **همان طور** که داشت درخت‌ها و **سبزه‌ها** را نگاه می‌کرد از دور **پیرمردی** را دید که در حال کاشتن **گردو** است. پیرمرد با **دقت** گودالی در زمین می‌کند.

۲ مانند نمونه کامل کن.

کلمه	اُم	م	کلمه	اَش	س
مزرعه	مزرعه‌ام	—	بیل	—	بیلش
عمر	—	عمرم	میوه	میوه اش	—
وسایل	—	وسایلم	محصول	—	محصولش
سبزه	سبزه ام	—	لانه	لانه اش	—

۳ دور کلمه‌هایی که زمان آینده را نشان می‌دهند، خط بکش.

خواهد گفت - درو کرد - کاشته بودید - می‌رفت - خواهی شنید - گفته است -
می‌خواهم بخوابم



۱ از روی سرمشق زیر خوش خط و زیبا بنویس.

نابُرده رنج، گنج میسّر نمی شود مزد آن گرفت، جان برادر که کار کرد

نابُرده رنج، گنج میسّر نمی شود مزد آن گرفت، جان برادر که کار کرد
نابُرده رنج، گنج میسّر نمی شود مزد آن گرفت، جان برادر که کار کرد

۲ جمله‌های نامرتّب را مرتّب کن.

الف) فکر - ما - در - باشیم - باید - هم - به - دیگران - زندگی

ما باید در زندگی، به فکر دیگران هم باشیم.

ب) محبّت - با - شما - کنید - به - مهربان - دیگران - تا - نیز - آن‌ها - باشند.

به دیگران محبت کنید تا آنها نیز با شما مهربان باشند.

۳ جدول را کامل کن.

کارهای خوب						
ف	د	ا	ک	ا	ر	ی
ب	ر	د	ب	ا	ر	ی
ر	ا	ز	د	ا	ر	ی



بندهای زیر را بخوان و برای هر یک، موضوع مناسب بنویس.

موضوع: .. نقاشی عکس پدر

فاطمه دفتر نقاشی‌اش را باز کرد. او می‌خواست یک نقاشی قشنگ بکشد و آن را کنار عکس پدر بگذارد. عکس پدر توی تاقچه بود. پدر جلوی مسجد خرمشهر ایستاده بود و لبخند می‌زد. خانه‌های اطراف او ویران شده بودند. فاطمه با خودش گفت: «چطور است عکس پدر را بکشم.» بعد خوب به عکس پدر نگاه کرد. پدر تفنگ داشت. قمقمه داشت. سربند داشت و پوتین پوشیده بود.

موضوع: .. تاریخچه ی مدارس ایران

مدرسه‌های امروزی در ایران، از حدود صد و پنجاه سال پیش پدید آمده‌اند. ابتدا تعدادشان کم بود. چون مردم به مکتب‌خانه عادت داشتند، آن را بهتر از مدرسه می‌دانستند. کم‌کم به تعداد مدرسه‌ها اضافه شد و کتاب‌های درسی نوشته شد. از آن زمان، مدرسه‌ها تغییر زیادی کرده‌اند و باز هم تغییر خواهند کرد.

برای نوشتن یک بند، انتخاب موضوع مناسب، اهمیت دارد.